

## سبک‌شناسی نقشمایه‌های ظروف سفالین گورستان سیلک B

محمد میرزایی رشنو

کارشناس ارشد باستان شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

رضا مهرآفرین

دانشیار باستان شناسی دانشگاه مازندران

محمد مهدی توسلی

دانشیار باستان شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

[Kasit\\_rashnoo@yahoo.com](mailto:Kasit_rashnoo@yahoo.com)

(تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۵ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۲۰)

### چکیده

گورستان سیلک B یکی از محوطه‌های منسوب به دوره ماد می‌باشد که آثار فرهنگی و هنری زیادی از آن بدست آمده است. شیوه خاک‌سپاری مردگان در این مکان، مجموعه‌های براکی‌سفال، ساختار خاص قبور همراه با گورنهاده‌های متفاوت و نقشمایه‌های نوظهور نشانه ورود اقوام جدید در منطقه تلقی می‌گردد. در سیلک B رسم پیشین تدفین مردگان در زیر کف خانه‌های مسکونی متروک و به جای آن، مردگان را در فضای خارج از محل سکونت خود دفن کرده‌اند. از میان آثار مختلف بدست آمده از این قبور، ظروف سفالین لوله‌دار که دارای فرم خاص و نقشمایه‌های جدید و بسیار زیبایی هستند؛ از اهمیت فراوانی در باستان‌شناسی و تاریخ هنر برخوردارند. اهمیت این ظروف از آن جهت است که مطالعه و تحلیل نقوش و نوع سبک آنها در شناسایی فرهنگ مردمان سازنده‌شان بسیار موثر است. گرچه تصاویر برخی از این سفالینه‌ها از پیشینه بسیار طولانی در این منطقه برخوردار و هر نقش دنیایی از معنا و مفاهیم رازآلود را در پشت خود پنهان ساخته است؛ لیکن با بررسی ریشه‌های هنری آنها می‌توان سبک‌های به کار رفته در این ظروف را به صورت نسبی مشخص و اقوام پدید آورنده آنها را تا حدودی شناسایی نمود. سوال مطرح در اینجا آن است که آیا این نقشمایه‌ها، هنر اقوام مختلف ماد را قبل از تشکیل حکومت توسط آنها نشان می‌دهد؟ آیا این هنر، بومی این نقطه خاص از فلات ایران بوده یا از دیگر تمدن‌ها به عاریت گرفته شده است؟

این پژوهش می‌کوشد تا با مطالعه فرم و نقشمایه‌های ظروف سیلک B که به روش کتابخانه‌ای و جمع‌آوری مدارک و شواهد باستان‌شناختی همراه با دیدار از محل صورت گرفته، سبک‌های رایج آنها را شناسایی و سپس با گونه‌شناختی این عناصر با نمونه‌های پیش از خود، تاثیر و تاثرات آنها را مورد مطالعه قرار دهد. بررسی و مطالعه فرم ظروف و نقوش آنها نشان می‌دهد که سبک‌های به کار رفته در این سفال‌ها برگرفته از سبک‌های بومی فلات ایران، خصوصاً منطقه کاشان بوده و در عین حال مشخص می‌سازد که مادها قبل از تشکیل حکومت دارای هنر محلی بسیار قوی و تاثیر گذاری بوده‌اند.

واژگان کلیدی: سبک‌شناسی، سیلک، گورستان سیلک B، ظروف سفالی، نقشمایه

## مقدمه:

مهر، تزیینات شخصی و ... بدست آمده که در این میان سفال نقش عمده‌ای دارد. از بین ظروف سفالین بدست آمده از قبرستان سیلک B، قوری‌های منقوش با آبریزهای بلند منقاری یا بادبزی شکل از ظروف دیگر شاخص‌تر هستند. بر روی این ظروف سفالین، نقوش جالب و جدیدی مشاهده می‌شود که اهمیت آنها را دو چندان کرده است. پر کردن سطح خارجی ظروف نخودی با نقش‌های زیبای هندسی (نقش شطرنجی)، اجرام سماوی مانند گردونه خورشید و نقوش حیواناتی همچون اسب و بز کوهی (خصوصاً نوع بالدار آن) همراه با نیمرخ انسانی با رنگمایه‌های روشن اخراپی و آجری، زیبایی خاصی به آنها بخشیده است که به جرات می‌توان گفت؛ این ظروف خاص منطقه سیلک بوده است. هم چنان که در دوره اسلامی نیز شهر کاشان به دلیل ساخت کاشی و لعاب خاص سفالینه‌های آن که به صورت رمزی ساخته می‌شد، شهرتی عالمگیر داشت. شناخت و تبارشناسی نقشمایه‌های ظروف سفالین سیلک می‌تواند گامی موثر در روشن ساختن زوایای تاریک فرهنگ و هنر عصر آهن ۲ و ۳ در این منطقه تلقی گردد و ریشه‌های هنری این آثار را که برخی معتقد به نوآوری توسط قوم آریایی می‌باشد، تا حدودی مشخص سازد.

## پیشینه تحقیق:

در مورد اشیای بدست آمده از سیلک B تاکنون تحقیقات جامعی صورت نگرفته است؛ هر چند رمان گیرشمن (گیرشمن، ۱۳۸۹، صص ۱۶-۱۱ و ۱۳۷۱) به برخی از این موارد اشاره نموده، اما در مجموع به این موضوع به عنوان یک بحث پژوهشی مستقل پرداخته

محوطه باستانی سیلک در حاشیه جنوب غربی شهر کاشان و در نزدیکی باغ فین واقع شده است. رومن گیرشمن برای اولین بار در سال ۱۹۳۳ میلادی کاوش بر روی محوطه مذکور را آغاز و تا سال ۱۹۳۷ میلادی ادامه داد. حاصل کاوش‌های پی-درپی وی در محوطه سیلک، منجر به شناسایی شش دوره فرهنگی گردید. طبقات یا دوره‌های ۱ تا ۴ معرف دوره پیش از تاریخ (هزاره ششم تا حدود ۳۰۰۰ ق.م)؛ طبقه یا دوره ۵ شامل قبرستان A و بقایای اندک معماری بر بالای تپه جنوبی معرف فرهنگ سفال خاکستری عصر آهن و اواخر هزاره دوم ق.م. است. طبقه یا دوره ۶ شامل سازه خشتی و بقایای اندک معماری روی تپه جنوبی و قبرستان B می‌شود و معرف فرهنگ استقراری از عصر آهن III و دوره ماد است (ملازاده، ۱۳۹۳، صص ۲۶۲).

از مهمترین شاخصه‌های گورستان سیلک B که آن را در میان گورستان‌های متعدد هم عصر خود و قبل از آن متفاوت ساخته، شکل قبور و گورنهاده‌های سفالی آن چه از نظر فرم و چه از نظر نقشمایه است. این مسائل همراه با مجموعه براکی سفال (قصیرالراس) مردگان، گیرشمن را وادار به ایراد این نظریه نمود که باشندگان قبرستان سیلک B از خانواده بزرگ هند و اروپایی هستند و تپه جنوبی این محوطه را از آن یک امیر مادی دانست که به فرمان وی بر روی مصطبه‌ی محل، دژی برای سکونت وی و خانواده‌اش ساخته بودند (گیرشمن، ۱۳۶۸، صص ۷۹).

در این گورستان آثار زیادی همچون ظروف سفالی و فلزی، لوازم آشپزخانه، ادوات مختلف، یراق‌آلات،

قرار می‌دادند. بدین ترتیب گور پوششی شیروانی به خود می‌گرفت و شبیه خانه‌های شمال ایران که به صورت خر پشته بود، درمی‌آمد. این نوع عادت تدفین با پوشش خرپشته‌ای در دوره پیش از تاریخ ایران سابقه نداشت. از طرفی ایجاد پوشش شیروانی به دلیل نوآوری احتمالاً نشان دهنده ورود قوم جدید به فلات ایران می‌باشد (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۷۳، ص ۴۲). اما قبرهای معمولی از آن مردم عادی و فقیر بود که همراه‌شان نیز ظروف ساده و کم ارزشی وجود دارد. این امر نشان دهنده وجود اقشار مختلف در جامعه است. در قرون اولیه هزاره نخست قبل از میلاد در تدفین مردگان ظهور یک پدیده اجتماعی جدیدی خود را نشان داده که این روش جدید با خصوصیات ویژه‌ای در آثار هنری و فرهنگی نیز خودنمایی کرد (گیرشمن، ۱۳۹۰، صص ۹-۱۰).

گیرشمن سفالینه‌های مکشوفه از سیلک B را بر اساس رنگ و تزیین به چهار گروه تقسیم کرده است: الف. سفال منقوش ب. سفال قرمز ج. سفال خاکستری د. سفال سیاه یا خاکستری. وی سفال‌های منقوش را از نظر شکلی به دسته‌هایی همچون: قوری با لوله بلند منقاری شکل، قوری با آبریزهای بادبزی شکل، ابریق، تنگ، جام و ظروف آبریزدار تقسیم کرده است (گیرشمن، ۱۳۸۹، صص ۴۰).

## ظروف لوله‌دار گورستان سیلک B

بیشترین مواد فرهنگی بدست آمده از گورستان سیلک B، سفال است که این ماده فرهنگی می‌تواند

نشده است. ملک شه‌میرزادی نیز که در سال‌های اخیر به مدت چند فصل در این محوطه به کاوش پرداخته است، به سفالینه‌های گورستان B اشاره‌ای ندارد (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴).

## روش تحقیق: اسنادی همراه با مطالعات میدانی

این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای همراه با داده‌های باستان‌شناسی و دیدار از محل، نقشمایه سفال‌های سیلک B را مورد مطالعه قرار داده و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها را با نمونه‌های دیگر و قبل از خود بیان می‌کند.

## گورستان سیلک B

گورستان سیلک B از نظر زمانی به عصر آهن III (۵۰۰ - ۸۰۰ ق.م.) تعلق دارد که برخی از آن با عنوان افق سفال نخودی غربی جدید یاد کرده‌اند (مدودسکایا، ۱۳۸۸: ۳۸). البته گیرشمن، حفار محوطه آن را بین سده ۱۰ تا آغاز سده ۸ ق.م. تاریخ‌گذاری نموده و آن را دربرگیرنده فرهنگ دوره‌ی ماد دانسته است (گیرشمن، ۱۳۹۰، صص ۹-۱۰). گورستان مذکور در غرب تپه جنوبی قرار دارد و در آن بیش از ۱۰۰ گور شناسایی شده است. در این گورستان، قبر ثروتمندان و نجبا عبارت از چاله‌هایی بود که در روی زمین حفر و سپس جسد را همراه با اشیای مورد نیازش در داخل آنها قرار می‌دادند. پس از آن روی قبر را با خاک می‌پوشاندند، به طوری که از سطح زمین بالاتر قرار می‌گرفت و بر روی آن تخته سنگ‌های بزرگ و یا لوحه‌هایی از گل پخته

گاوهای نر و اسب‌ها، یا بزهای بالدار، یا بدون بال. نقاشان این کوزه‌ها به نقش نباتات علاقه زیاد نشان نداده‌اند و نقش انسان فقط روی سه سفال پیدا شده، که یکی از آنها سالم و بقیه به صورت قطعه سفال است“ (گیرشمن، ۱۳۹۰، صص ۱۰-۹).

نقش‌های هندسی تزئینی در این سفال‌ها با چنان شیوه‌ای ترکیب شده‌اند که دارای مفاهیم نمادین هستند. مثلاً مثلث‌های نوک‌دار بیشتر در یک دایره یا نیم دایره قرار داده شده که تصور اشعه را در ذهن به وجود می‌آورد. همچنین چهارگوش‌ها و لوزی‌های کوچک احتمالاً نوارها یا چهارگوش‌های قالی ماندنی را تشکیل می‌دهند (پرادا، ۱۳۵۷: ۱۶۶). در واقع باید گفت که ترکیب و تنظیم تزئینات روی این قوری‌های سفالی با نظم و اصول خاصی صورت گرفته است. در قسمت پایین شکم ظرف نقش حیوانات دیده می‌شود، به شکلی که پای آنها در روی لبه‌ی پایین ظرف قرار دارد. این تصاویر به گونه‌ای تنظیم گردیده‌اند که هنگام خم کردن ظرف بمنظور ریختن محتویات آن، مهمترین بخش نقوش دیده می‌شود. از این رو برای دیده شدن تصاویر و برای آن‌که حیوانات به چشم بیایند، آنها را در همان قسمت نقاشی کرده‌اند (شکل ۲). بنابراین، تصاویر هندسی در بخش بالای شکم ظرف و بر روی شانه و گردن آن ترسیم شده است (گیرشمن، ۱۳۹۰، صص ۱۲-۱۱).

### سبک‌شناسی ظروف لوله‌دار در گورستان سیلک B

یکی از دو مشخصه عصر آهن و تحولات فرهنگی فلات ایران در هزاره دوم پیش از میلاد،

اطلاعات فراوانی در اختیار پژوهشگران قرار دهد. از موارد خاص و جدید این نوع سفالینه‌ها می‌توان به پارامترهایی مانند اشکال جدیدی از ظروف با رنگ نخودی، میزان فشردگی و ورز خمیره، درجه پخت، پوشش گلی خارج ظروف (اسلیپ)، نقشمایه‌های خاص (جانورنگاری) و ترکیب موضوعات که هر نقشی یک مفهوم نمادین و رمزی را بیان می‌کند؛ اشاره نمود. در میان سفال‌های گورستان سیلک B قوری‌های منقوش با آبریزهایی به شکل منقار پرندگان بیش از سایر ظروف جلب توجه می‌کند (شکل ۱). این نوع ظروف احتمالاً از یک نمونه فلزی تقلید شده و احتمالاً از چنین ظروفی در تشریفات تدفین استفاده می‌کردند و بعد از پایان مراسم، این ظروف را با محتویات آن با فرد متوفی درون قبر می‌نهادند (سرفراز و فیروزمندی، پیشین: ۴۳). لازم به یادآوری است که چنین قوری‌هایی از دیگر محوطه‌های باستانی هزاره اول ق.م. مانند خورویین، املش، تپه ازبکی، گیان، جنوب دریاچه اورمیه و ... بدست آمده است، لیکن سطح آنها ساده بوده و دارای نقشمایه نیستند. گیرشمن در توصیف نقوش این سفال‌ها می‌نویسد: ”ترکیب تزئینی خالص در روی شکم ظرف جای گرفته و در آنجا اشکال هندسی با طرح‌های متضاد خودنمایی کرده‌اند، مانند چهار خانه‌ها، دایره خورشید، دایره‌هایی که بر خطوط صلیبی شکل محاط‌اند و گل‌های پنج‌پری که از اطراف آن شعاع‌هایی منشعب می‌شوند. به هر حال این نقوش همواره با شکل‌های جاندار همراه‌اند و این شکل‌های جاندار از میان حیوانات اهلی، یا وحشی و گاهی حیوانات افسانه‌ای انتخاب می‌شوند، مانند

تورنگ تپه از این دست هستند. استفاده از ظروف لوله‌دار در اوایل هزاره دوم پیش از میلاد به دلایل نامعلومی منسوخ شد، ولی با گذشت حدود ۳۰۰ سال دوباره در ۱۵۰۰ ق.م رایج گشت. البته ظروف لوله‌دار اولیه با ظروف لوله‌دار عصر آهن تفاوت‌هایی دارند، مثلاً در نمونه‌های اولیه، لوله ظرف به شکل استوانه است، اما در نمونه‌های عصر آهن لوله دارای خمیدگی بیشتری می‌باشد (همان: ۱۲).

از تماجان گیلان ظرف سفالین لوله‌داری از نوع خاکستری تیره با نقوش داغدار هندسی بدست آمده است. این ظرف که دارای دهانه‌ای استوانه‌ای و نیز یک دسته متصل به لبه دهانه و بدنه ظرف است، از نظر شکل لوله بسیار حائز اهمیت است. این لوله که لبه آبریز آن به دهانه ظرف متصل است، شکل خاصی دارد. در واقع می‌توان آن را به عنوان بیضی شکل معرفی کرد. این ظرف شباهت زیادی با نمونه‌هایی از گورستان سیلک B دارد. در این ظرف که از سفال نخودی رنگ است، نقوش هندسی زیبایی را شاهد هستیم. در آن قسمت از این ظرف که دسته به بدنه متصل می‌شود، نقشی وجود دارد که یادآور صفحه شطرنج است. تفاوت عمده میان این دو نمونه (تماجان و سیلک) نحوه قرار گرفتن دسته بر روی بدنه ظرف است. در نمونه سیلک، لوله هیچ تماسی با دهانه ظرف ندارد و هر دو سوی آن بر روی بدنه قرار گرفته است (فهیمی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸).

#### سبک‌شناسی نقوش روی ظروف لوله‌دار:

در مورد تصاویر منقوش بر روی ظروف سفالین لوله‌دار، پیش از این مختصری توضیح داده شد. اینک

ظهور ظروف سفالین لوله‌دار (قوری) و استفاده وسیع از آن است. ویژگی دوم دوره آهن، ساخت سفال‌های خاکستری و استفاده همزمان آن با ظروف مورد نظر است. به علاوه شروع عصر آهن در ایران مصادف با آمدن آریایی‌ها به فلات ایران می‌باشد (Young, 1967: 11-37). طلایی پراکندگی این سفال‌ها و ظروف لوله‌دار را در این دوره زمانی در چندین محوطه از فلات ایران مورد مطالعه قرار داده و به عنوان مثال به محوطه‌های تپه سیلک کاشان، قبرستان قیطریه تهران، تپه دین خواه آذربایجان، گوی تپه، هفتوان تپه، تپه گوران بردبال، گیان، مارلیک، خورویین (شکل ۳) و سگزآباد قزوین اشاره کرده است (طلایی، ۱۳۷۳، ص ۹). به گمان وی (همان: ۱۲)، برخلاف گفته یانگ ظروف لوله‌دار مختص آریایی‌ها نیست، بلکه قبل از ورود آنها هم این نوع اشیاء وجود داشته که البته با ظروف عصر آهن دارای تفاوت بوده‌اند، ولی در کل نمی‌توان آغاز استفاده از این ظروف را مصادف با ورود آریایی‌ها دانست. طلایی سنت استفاده از لوله در ظروف سفالین را بسیار قدیمی‌تر از عصر آهن می‌داند. او اولین نشانه‌های استفاده از لوله در ظروف سفالین ایران را از تپه اهرنجان واقع در آذربایجان دانسته که قدمت آن به هزاره ششم و پنجم پیش از میلاد باز می‌گردد. در دوران‌های اولیه هزاره چهارم پیش از میلاد در تپه سیلک و تپه یحیی IVB نیز استفاده از لوله به چشم می‌خورد. در هزاره سوم ق.م. نیز استفاده از ظروف لوله‌دار در فلات ایران گسترش زیادی پیدا کرد. برای نمونه محوطه‌های تل ملیان، تپه زالیان، تپه یحیی، شهداد، شهر سوخته، حصار II شاه تپه IIB و

که دارای اسبان قوی، راننده و جنگجوی سواره می‌باشد (پرادا، ۱۳۵۷: ۱۵۷).

در ماکو ریتونی بدست آمده که شکل اسب دارد. بر پشت این اسب جلی قرار دارد که با نقش حیوانات، پرندگان، نقوش هندسی و ریشه‌هایی در اطراف آن مزین گشته است. سمسار این ریتون را متعلق به آریایی‌ها می‌داند (سمسار، ۱۳۴۳: ۳۵). در شوش نیز ریتونی به شکل اسب بدست آمده که شباهت زیادی با ریتون ماکو دارد (شکل ۵). گیرشمن ریتون شوش و ماکو را به آریایی‌ها نسبت می‌دهد (گیرشمن، ۱۳۹۰، ص ۲۹۰).

بنابراین، همزمان با گورستان سیلک B (شکل ۶) در سراسر ایران نقش اسب و وسایل مربوط به آن گسترش چشم‌گیری پیدا نمود که شاید بتوان این پدیده نوظهور را در نتیجه ورود اقوام آریایی به منطقه دانست. فرشته نگهبان چهارپایان که در اوستا، درواسپا (دارنده‌ی اسب سالم) خوانده شده، دارای گردونه است. شاید با توجه به همین مساله است که اسب را شاه چرندگان و در میان چارپایان از همه نیکوتر دانسته‌اند. ایزد بهرام در سومین و ویشنو (ایزد بزرگ هندی) در دهمین تجلی خود به صورت اسبی سفید و زیبا ظهور نمودند. ایرانیان برای تداوم گردش خورشید و آسمان، اسب را در پیشگاه خدای خورشید قربانی می‌کردند. اسب با بال موجدار نشانه خورشید است (دادور و منصوری، ۱۳۹۰، ۶۸).

نقش حیوانات منقوش بر سفالینه‌های قبرستان سیلک B فاقد خط زمینه است و پاهای پسین حیوانات که اغلب در حال حرکت می‌باشند، بنظر می‌رسد در هوا شناور باشد. پرادا چنین سبکی را در آثار

به سبک‌شناسی مهم‌ترین این نقوش که شامل نقش اسب، چلیپا، خورشید، شیر غرنده، حیوان شاخدار، نقش شطرنجی، بزکوهی، نقش تمام رخ صورت انسان و آکیناکه می‌شود، می‌پردازیم.

#### نقش اسب:

ایرانیان همواره از اسب به عنوان یاری وفادار، هوشمند، چالاک، زیبا و سرفراز یاد نموده و در هنر و ادب و عقاید خود آن را وارد ساخته‌اند. شاپور شهبازی معتقد است که در اوستا اسب دارای مقام بالایی بوده و آن را هم اندازه مرد دلیر، از نعمت‌هایی دانسته که از ایزدان طلب می‌کرده‌اند (شاپور شهبازی، ۱۳۷۶، صص ۲۸-۲۷). نقش اسب در فلات ایران شاید برای اولین بار بر روی نقوش غارهای لرستان از جمله هومیان و میرملاس ظاهر می‌شود (شکل ۴). احتمالاً این آثار مربوط به عصر نوسنگی هستند (طالب‌پور و پرهام، ۱۳۸۸: ۷). قدیمی‌ترین نقش اسب بعد از نقاشی‌های داخل غارهای لرستان، ترصیع صدفی یک اسب است که از شوش بدست آمده و دنیل پاتس به نقل از دمورگان آن را متعلق به نیمه دوم هزاره سوم پیش از میلاد می‌داند (پاتس، ۱۳۹۰، ص ۱۵۴).

پس از آن در عصر آهن این نقش به کرات در جاهای مختلفی به صورت مجسمه یا تصویر روی سفال و اشیای دیگر به چشم می‌خورد. در میان آثار مفرغی لرستان وسایلی مربوط به لگام و دهنه اسب دیده می‌شود (واندنبگ، ۱۳۵۰، ص ۹۶) که در برخی از آنها خود لگام به شکل اسب ساخته شده است. همچنین بر روی یک ساغر نقره‌ای که از حسنلو بدست آمده، نقش یک گردونه دو اسبه دیده می‌شود

مادها، هم در بناهای نوشیجان و هم باباجان و نیز به فراوانی در سفالینه‌های باباجان و سیلک یافت شده است. این نقش بر روی سفالینه‌ها در ترکیب با عناصر دیگری از جمله دایره و مربع مشاهده می‌شود. در سیلک نیز نقش چلیپا (+) دیده می‌شود. این نقش در برخی موارد در داخل یک دایره یا در داخل یک کادر مستطیل شکل قرار دارد که با نقوش آجرهای لعابدار باباجان (شکل ۷) شباهت پیدا می‌کند. ترکیب صلیب و مربع نشانه برکت و حاصلخیزی است. در این جا نقش چلیپا در درون دایره، آن را به چرخ شبیه ساخته است. بنا به گفته دوبوکور، چرخ خود نمادی از مهر است. پرتوهای خورشید به پره‌های چرخ شبیه هستند که محورش هم چون مرکزی بی‌حرکت، نمایانگر مبدا هستی است و دورش که با پره به محور متصل می‌شود به مثابه تجلی آن مبدا است. حتی امروز از کلمه چرخ برای آسمان و از ترکیب (چرخ و فلک) به همین مفهوم استفاده می‌شود (دوبوکور، ۱۳۷۳، ص ۸۷). اما باید گفت که نقش چلیپا مختص اقوام آریایی نیست، بلکه از هزاره پنجم ق.م. به بعد در سطح فلات ایران از این نماد استفاده شده و حتی ملت‌های خارج از فلات ایران نیز از آن استفاده کرده‌اند. محوطه‌های زیادی در ایران وجود دارد که قبل از آریایی‌ها ساکن بوده‌اند و بر روی سفال‌هایشان نقش صلیب با بازوان مساوی به چشم می‌خورد. برای نمونه می‌توان به تل باکون، تپه گیان، ریشهر، لرستان و شوش اشاره کرد (قائم، پیشین، ص ۳۲).

در دوره‌های بعد، علاوه بر سفال بر روی ظروف فلزی نیز نقش چلیپا دیده می‌شود. برای نمونه در

مارلیک یافته است و نتیجه می‌گیرد که نقاشان محلی سیلک کارهای ظریف سبک قدیم‌تر را به غلط تقلید کردند تا چنین افاده کنند که می‌توان جانوران را در حالات گوناگون در زمینه‌ای قرار داد که خط زمینه استواری برای ایستادن نداشته باشند (پرادا، ۱۳۵۷: ۱۴۷). وی همچنین به نقش برخی از پرندگان مانند باز اشاره می‌کند که با بال‌های کاملاً برافراشته و از روبرو در پایین برخی از نقوش و در نزدیک کف ظروف به چشم می‌خورند. به گمان وی این نقوش یادآور سبک نقوش جام طلای حسنلو است که هنگام بلند کردن ظرف در معرض دید قرار می‌گیرد (همان).

## نقش چلیپا

نماد صلیب، یکی از گسترده‌ترین و جهان شمول‌ترین نمادهایی است که عموماً نحوه‌ی استفاده از آن به دیدگاه اقوام مختلف راجع به جهان پیرامون آنها و آیین و اعتقادات رایج در میان اقوام مختلف بستگی دارد. تاکنون نظرات زیادی درباره این نقشمایه بیان شده است؛ چنان‌که برخی آن را نماد آتش و عده‌ای یک مفهوم ماوراءطبیعه می‌دانند. جالب این‌که این نقش منحصر به فلات ایران نیست، بلکه خارج از ایران نیز موارد بسیاری از آن بدست آمده است. گفته شده که آریایی‌ها در زمانی که با هم می‌زیستند، نقش چلیپا را که نماد خورشید بود؛ مورد استفاده قرار می‌دادند. شاید به همین دلیل کشورهای آریایی که در آنها اقوام هند و اروپایی اسکان داشتند، این نقش در آنها دیده می‌شود. در واقع مقر اولیه آریایی‌ها، خاستگاه چلیپا بوده است (قائم، ۱۳۸۸، ص ۳۵). نقش صلیب، صرف نظر از کاربرد جهانی آن، در محوطه‌های منتسب به

از ظرف می‌کشیدند که آب از آن جاری باشد. علاوه بر سیلک، در لرستان نیز بر روی اشیای برنزی نقشی به شکل گل‌های ۸ پر تا ۲۱ پر وجود دارد که اشاره‌ای به خورشید و مظهری از خدای آن (میترا یا مهر) محسوب می‌شود (معصومی، ۱۳۴۹، ص ۲۸).

در بسیاری از فرهنگ‌ها، خورشید نشانه حیات و سرچشمه نیروی (انرژی) انسان و گیاه است. خورشید با روشنایی و گرمای خود مظهر مجسم نیروهای آسمان و زمین است. پدر بشر نامیده می‌شود. رمز بیماری و رستاخیز است (دوبوکور، ۱۳۹۱، ص ۸۰). در واقع خورشید مظهر گرما، نور، خشکی و تابستان بود. شیرها و حیوانات شاخدار منسوب به خدای خورشید شدند. بز کوهی و گل چندپری که در میان شاخ‌هایش ترسیم می‌شد، نماد خورشید بودند (ویلسون، ۱۳۶۷، ص ۷۳).

#### نقش شیر غرنده

این تصویر (شکل ۸)، شیری را نشان می‌دهد که به نشانه حمله یک پایش را بلند و دهانش را به حالت تهدید باز کرده است. گیرشمن تصویر مشابهی از این نقش را بر روی یک کوزه سفالین منقوش از یونان که متعلق به سده هشتم ق.م. است، نشان می‌دهد. وی معتقد است که این سبک هنری از شرق به یونان سرایت کرده است. البته بنا به گفته‌ی وی این موضوع در بین برنزه‌های لرستان نیز وجود دارد (گیرشمن، ۱۳۹۰، ص ۳۳۴) و به نظر می‌رسد که این نقشمایه با این نوع فیگوراتیو از نمونه‌های سیلکی خود قدیمی‌تر باشد. در زیویه نیز قسمتی از تزیینات زین اسب که از جنس نقره است، تقریباً نقشی شبیه به شیر غرنده سیلک را دارا می‌باشد. تنها تفاوت

جام طلای حسنلو این نماد بر روی ران پای یک شیر که توسط شخصی مهار شده به چشم می‌خورد (احسانی، ۱۳۶۸: ۳۸). علاوه بر این، در جام طلای کلاردشت نیز دقیقاً همانند حسنلو نقش مزبور بر روی ران پای راست شیر حک شده است (پرادا، ۱۳۵۷، ص ۱۲۴). در میان آثار مفرغی لرستان نیز این نقش قابل مشاهده است (کریمی، ۱۳۴۶، ص ۲۳۱).

به باور بختورتاش، این علامت که هر شاخه یا هر خانه‌اش که به پروانه‌های آسیای آبی یا بادی بی-شبهت نیست، جای یکی از عناصر مقدس در کیش ایرانیان (آب، باد، خاک و آتش) را تشکیل می‌دهد که بر روی هم با گردش و چرخش خود نظام طبیعت و ذات آفرینش را حفظ می‌کنند و حرکت و تغییر و یا حیات و ممات را بوجود می‌آورند (بختورتاش، ۱۳۵۶، ص ۲۷).

#### نقش خورشید

از میان نقوش سفالینه‌های سیلک B، آنچه که می‌توان به عنوان طرحی از خورشید پنداشت، نقوشی هستند که در اطراف آبریز قوری‌ها و منقار ظرف‌های آبریزدار قرار دارند. آنچه که مفهوم خورشید را به ذهن متبادر می‌کند، شکل دایره‌ای و شعاع‌هایی است که به صورت مثلث از آن می‌تابد. درون این دایره‌ها، با اشکال گوناگونی همچون لوزی، مثلث، نقطه و تصاویر شطرنجی پر شده است. این نقش که شبیه گل چندپر می‌باشد، به تکرار بر روی سفال‌های گورستان سیلک B دیده می‌شود. نقش خورشید در سفالینه‌های سیلک، در بالاترین نقطه و هم‌تراز آب درون ظرف قرار دارد. علاوه بر این، آن را در نقطه‌ای



حیوان شاخدار گورستان سیلک B، مجسمه برنزی گاوی است که آتشدانی بر پشت آن به صورت عمود نصب شده و مربوط به هنر فلزکاران لرستان است. این شیء مفرغی از دمگر پرچینه استان ایلام (پشت کوه لرستان) بدست آمده که متعلق به ۹۰۰ ق.م می- باشد (معصومی، ۱۳۴۹، صص ۱۲۴-۱۱۹). در واقع لاغر اندامی گاو، پوزه، چشمان لوزی شکل، گوش‌ها، دم حیوان و شکل شاخ‌ها از جمله شباهت‌های نزدیک بین دو نمونه است. گاو از حیوانات مقدس آریایی‌ها بشمار می‌رود. چنان که در اوستا و ریگ‌ودا به کرات به آن اشاره شده است. این حیوان در فرآیند تکوین نظام آفرینش آریایی نقش اساسی و برجسته- ای دارد. تقدس این حیوان در باورهای هندی تا بدانجاست که آن را همشان مادر دانسته و از کشتار آن پرهیز می‌شود.

## نقش شطرنجی:

نقوش شطرنجی سیاه و سفید در سفالینه‌های سیلک و آجرهای باباجان در کنار نمادهایی دیگر از جمله دایره‌های توپر، نقطه‌های متوالی، مربع‌ها و نیز در درون نقش خورشید یافت شده‌اند. آنها اغلب به شکل نوارهای بلند دورتادور ظرف کشیده شده یا به صورت اشکالی هندسی ترسیم گردیده‌اند که داخل آنها به صورت شطرنجی پر شده است. نقش شطرنجی از مربع و مستطیل‌های زیادی که در کنار هم قرار گرفته‌اند، به وجود می‌آید. این نماد نیز یکی از نقوش سفال‌های سیلک B را تشکیل می‌دهد (شکل ۱۰) که شباهت زیادی با یکی از نقوش سفال سبک لرستان دارد. بر روی ظرف سه پایه‌ای که در منطقه رومشگان در جنوب لرستان یافت شده

نمونه زیویه در آن است که شیر زیویه به جای یک پا، دو پای خود را بلند کرده و نقوش تزیینی روی حیوان نیز سادگی شیر سیلک را ندارد (همان: ۱۲۰). این حیوان در باورهای قومی و اساطیری نشانگر باروری زمین می‌باشد. شیر اگر همراه با خورشید نشان داده شود، علامت ملی ایران قدیم و اشاره به ساکن شدن قدرت در خورشید است. شیر علاوه بر این که نماد میترا، خورشید، تابستان، گرما، پیروزی، قدرت و نور بوده، نماد آتش نیز است و در دوران باستان شیر هم چون اسب و گوزن رباینده‌ی روح جانوران دانسته شده بود. ترسیم دم بلند برای شیر یا گربه‌سانان علامت اقتدار بیشتر است (دادور و منصور، ۱۳۹۰، صص ۷۵-۷۴).

شیر غران و خشمگین با دهان گشوده که یک پایش را به نشانه تهدید بلند کرده است، در آثار دوره هخامنشی زیاد دیده می‌شود. در این آثار شاه به عنوان برترین قدرت در حال نبرد با شیر که سلطان بی‌منازع جانوران در خشکی است، دیده می‌شود. گرچه نقش شیر از ایام باستان در هنر اقوام مختلف به نمایش درآمده است، اما چنین سبکی از این دوره باب و در دوره هخامنشیان به تکامل می‌رسد.

## نقش حیوان شاخدار

این نقش بر روی شکم یک قوری (ظرف لوله- دار) سفالی دیده می‌شود (شکل ۹). گیرشمن این حیوان را بز کوهی نامیده (همان، ۱۵) که چندان درست به نظر نمی‌رسد. چرا که شکل شاخ‌های آن رو به جلو و بالاست. اما در بز کوهی معمولاً شاخ‌ها به سمت بالا و پشت سر کشیده شده و همچنین دم حیوان شبیه دم گاو است. نزدیک‌ترین نقش مشابه با

درخت زندگی هستند. در طبقه II تپه حصار نیز نقش بز کوهی به فراوانی بر روی نقوش سفالی وجود دارد.

پس از فرمانروایی خورشید، بزکوهی حیوان خورشید نام گرفت و علامتی شبیه ستاره چندپر که اصطلاحاً لوتوس گویند در بین شاخ‌های این حیوان بر سفالینه‌ها رسم شده است (ویلسون، پیشین: ۴۵). در نمونه‌های پیش از هزاره اول ق.م. شاخ بز کوهی کاملاً شبیه هلال ماه ترسیم می‌شد. ماه نیز مکانی است که بنا بر باور ایرانیان، نطفه گاو نخستین در آن پالایش شده است. در سبک سیلک، این حیوان شاخدار به صورت چالاک، پیشرونده، پر قدرت و جنگی به نمایش درآمده است. صفاتی که ایرانیان نخستین، خود را موصوف به آن می‌کردند.

### نقش تمام‌رخ صورت انسان

در برخی موارد، تصویر صورت انسان به صورت تمام رخ بر روی سفال‌های سیلک B دیده می‌شود که متشکل از دو ابرو، دو چشم، دماغ و دهان می‌باشد. این شکل در زیر لوله ظرف و در داخل گروهی از نقوش هندسی قرار دارد. علاوه بر سیلک، در لرستان نیز از این سبک هنری بر روی آثار برنزی به فراوانی به چشم می‌خورد. گیرشمن معتقد است که این تصویر الهه مادر ملل آسیانی است که از آسیای صغیر تا شوش پرستش می‌شده است (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۴۸).

### نقش آکیناکه

بر روی یکی از ظروف لوله‌دار سیلک B نقش یک مرد شکارچی دیده می‌شود که خنجری به کمر

(کرتیس، ۱۳۷۸، ص ۱۱) و دارای تزیینات قرمز بر روی زمینه کرم رنگ است، نقش شطرنجی به چشم می‌خورد که کل بدنه ظرف را در بر گرفته است (شکل ۱۱). جالب آنکه علاوه بر نقوش شطرنجی، رنگ مورد استفاده در تزیین دو سفال نیز همانند است.

نقش مزبور از طرفی با نقش آجرهای لعابدار باباجان تپه نیز شباهت دارد (مید، ۱۳۵۶، ص ۳۹). در آنجا نیز آجرهای لعابدار دارای نقش شطرنجی هستند، که دلیل همانندی آنها به احتمال زیاد همزمانی هر دو نمونه و یکی بودن قوم سازنده آنهاست.

دوبوکور مربعی را که بر چهار پهلو استوار است، متضمن تصور استحکام و استقرار و رکود و ایستایی و همچنین نمودگار زمین می‌داند (پیشین، ۱۰۴).

### بز کوهی

این نقش بر عکس حیوان شاخداری که در بالا توضیح داده شد، دارای دم کوتاهی است که کاملاً با مشخصات بز کوهی همخوانی دارد. نقش بز کوهی بر روی سفال‌های پیش از تاریخ ایران دارای سابقه بسیار طولانی بوده که در چندین محوطه قابل شناسایی می‌باشد. چند نمونه از قطعات سفال‌های شوش که مربوط به هزاره چهارم پیش از میلاد هستند، با نقش بز کوهی (به حالت‌های مختلف) تزیین شده‌اند. از تپه گیان نیز نقش‌های بسیاری از بز کوهی دیده می‌شود. بر روی یک آبخوری که مربوط به طبقه ۲ تپه گیان (۱۸۰۰-۱۴۰۰ ق.م.) است، نقش یک درخت زندگی و دو بز کوهی در طرفین آن به چشم می‌خورد که بزها مشغول خوردن برگ‌های

پیشینه بسیار قدیمی تری است؛ لیکن فرم، نوع پوشش و رنگ این سفال‌ها با سفال‌های ادوار پیش از تاریخ تفاوت آشکاری دارد. غالب ظروف لوله‌دار عصر آهن I و II به رنگ خاکستری و سیاه - خاکستری ساده است که تزیینات سطح خارجی آنها را نقوش کنده، صیقلی و داغدار و گاهی تزیینات رنگی تشکیل می‌دهد.

در قبرستان سیلک B کاشان که از نظر زمانی به سده‌های ۹-۸ ق.م. تعلق دارد، ظروف لوله‌دار به شکل قوری‌هایی با بدنه نیمه‌کروی، دسته‌های کوتاه و بلند عمودی، لبه‌های برگشته و گردن کوتاه مقعر و کف مسطح و دیسکی شکل در طیف گسترده‌ای با نقشمایه‌های منحصر به فرد ظاهر شد. رنگمایه‌ی اخراپی بر زمینه نخودی، جذابیت خاصی به این ظروف بخشیده است؛ چنان‌که آنها را همراه با نقشمایه‌های جدید همچون نقش خورشید، اشعه‌های مثلثی شکل، صفحات شطرنجی، صلیب و دوایر متداخل، نقش اسب و بز کوهی، نقش انسان و ... در میان سفال‌های هم عصر خود در فضای کنونی ایران و خارج از آن ممتاز ساخته است. علاوه بر این، لوله یا آبریز این ظروف که به شکل منقار پلیکان یا بادبزین درست شده، در نوع خود یک نوآوری محسوب می‌شود.

گیرشمن حفار سیلک معتقد است که با توجه به جدید بودن این سبک از ظروف سفالی و نیز شواهد دیگر باستان‌شناختی، گورستان سیلک B به اقوام نوظهور آریایی تعلق دارد که آنها از ظروف مذکور به عنوان گورنهاد استفاده می‌کردند. از آنجایی که مادها از اقوام آریایی محسوب می‌گردند و در این

بسته و در یک دست سپر و در دست دیگر نیزه دارد (شکل ۱۲). نکته جالب توجه در این شکل، سلاحی است که بر کمر فرد مزبور قرار داشته که بی‌شباهت با آکیناکه (خنجر کوتاه) مشهور مادی نیست. همچنین بر روی تکه سفال دیگری از سیلک نقش شخصی در حال رقصیدن دیده می‌شود که گیرشمن این نوع رقص را همانند رقص سربازان یونانی دانسته (همان: ۱۴) و این شخص همانند نمونه قبلی آکیناکه مادی بر کمر دارد.

روی لوحه‌ای طلایی از گنجینه جیحون نیز نقش این سلاح مادی بر کمر افراد به چشم می‌خورد. قبل از مادها و در زمان کاسیان، بر روی کمر مجسمه برنزی لرستان که در موزه تهران نگهداری می‌شود؛ خنجری دیده می‌شود که در غلاف قرار گرفته است. با توجه به شباهت این سلاح با آکیناکه مادی می‌توان گفت که نمونه لرستان شکل ابتدایی خنجر مادی محسوب می‌شود. سهرابی به نقل از آندره گدار مجسمه برنزی لرستان را یکی از سواران نامی و رعب انگیز ایران باستان نامیده است (سهرابی، ۱۳۶۷، ص ۲۱۶).

## نتیجه‌گیری

با آغاز عصر آهن (نیمه دوم هزاره دوم ق.م.) در سرزمین کنونی ایران اشکال خاصی از ظروف سفالی ظاهر شد که تا پیش از این چندان رواج نداشت. این ظروف که در باستان‌شناسی از آنها با عنوان ظروف لوله‌دار یاد می‌شود، در سطح گسترده‌ای در صفحات شمالی و جنوبی البرز و نیز بخش شمالی کویر لوت آغاز و رو به گسترش نهاد. البته ظروف لوله‌دار دارای

- دوره زمانی در این مناطق استقرار پیدا کردند، لازم است تا برای شناسایی هنر این قوم این مکان را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم. البته لازم به یادآوری است که شکل خاصی از این ظروف قبل از گورستان سیلک B در سطح فلات در اشکال مختلفی وجود داشته است. لیکن تفاوت آشکاری از نظر فرم و نقشمایه بین این ظروف و سفال‌های گورستان سیلک B مشاهده می‌شود. از سوی دیگر در برخی از محوطه‌های هم‌عصر گورستان سیلک B این سبک از ظروف قابل مشاهده است. اما میزان پراکندگی آنها اندک و پرداخت و زیبایی آنها بسیار نازل‌تر از سفال سیلک است. در حالی که نوعی تکامل و پیشرفت از این ظروف در سیلک دیده می‌شود که در سطحی گسترده در این منطقه‌ی خاص رواج داشته است. از این رو بنظر می‌رسد که گرچه این فرم و نقشمایه‌ها قبل از گورستان سیلک B وجود داشته است، لیکن باشندگان سیلکی با تغییر، نوآوری و تکامل در آنها سبک خاصی از سفال را در نیمه نخست هزاره اول ق.م. بوجود آوردند که باید از آن به عنوان سبک سیلک یاد نمود. همان‌گونه که کاشان در ادوار اسلامی به دلیل نوآوری در ابداع نوع خاصی از لعاب شهرت داشت و از آن به عنوان سبک کاشان یاد می‌شود.
- منابع:
- احسانی، محمدتقی (۱۳۶۸)، هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- بختورتاش، نصرت‌الله (۱۳۵۶)، گردونه خورشید یا گردونه مهر، تهران، موسسه مطبوعاتی عطایی
- پاتس، دنیل تی. (۱۳۹۰)، باستانشناسی ایلام، ترجمه زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت
- پرادا، ایدت، رابرت دایسون و چارلز ویلکینسون (۱۳۵۷)، هنر ایران باستان (تمدن‌های پیش از اسلام) ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- سرفراز، علی‌اکبر و فیروزمندی، بهمن (۱۳۷۳)، مجموعه دروس باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی، تهران، انتشارات مارلیک
- دادور، ابوالقاسم و منصوری، الهام (۱۳۹۰)، درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند، چاپ دوم، تهران، دانشگاه الزهرا (س) کلهر
- دوبوکور، مونیک (۱۳۹۱)، رمزهای زنده-جان، ترجمه جلال ستاری، تهران، نشر مرکز
- سمسار، محمد حسن (۱۳۴۳)، اهمیت اسب و تزیینات آن در ایران باستان (۳) دوره هخامنشی، مجله هنر و مردم، شماره ۲۲
- سهرابی، محمد (۱۳۶۷)، لرستان و تاریخ قوم کاسیت (کاسیان)، خرم‌آباد، انتشارات افلاک
- طالب‌پور، فریده و پرهام، ماندانا (۱۳۸۸)، جایگاه اسب در هنر ایران باستان، مجله

- جلوه هنر، دوره جدید، بهار و تابستان، شماره یک
- گیرشمن، ر. (۱۳۶۸)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- طلایی، حسن (۱۳۷۳)، پیشینه ظروف سفالین لوله دار و مهاجرت آریاییها، مجله باستانشناسی و تاریخ، سال نهم، شماره اول، پاییز و زمستان
- مدودسکایا، یانا (۱۳۸۳)، ایران در عصر آهن 1، ترجمه علی اکبر وحدتی، تهران، پژوهشکده باستان شناسی
- فهیمی، سیدحمید (۱۳۸۱)، فرهنگ عصر آهن در کرانه های جنوب غربی دریای خزر از دیدگاه باستان شناسی، تهران، سمیرا
- ملک شه میرزادی، صادق (۱۳۸۱)، زیگورات سیلک، (طرح بازنگری سیلک: گزارش فصل یکم)، تهران، سازمان میراث فرهنگی، پژوهشکده باستان شناسی
- قائم، گیسو (۱۳۸۸)، پیام چلیپا بر سفالینه های ایران، مجله صغه، پاییز و زمستان، دوره ۱۹، شماره ۴۹
- ملک شه میرزادی، صادق (۱۳۸۲)، نقره-کاران سیلک، (طرح بازنگری سیلک: گزارش فصل دوم) تهران، سازمان میراث فرهنگی، پژوهشکده باستان شناسی
- کرتیس، جان (۱۳۷۸)، ایران کهن، ترجمه خشایار بهاری، تهران، نشر کارنگ
- کریمی، بهمن (۱۳۴۶)، تمدن آریایی ها و خط سیر آنها و برنز لرستان، مجله بررسی های تاریخی، شماره ۱۲
- ملک شه میرزادی، صادق (۱۳۸۳)، سفالگران سیلک، (طرح بازنگری سیلک: گزارش فصل سوم)، تهران، سازمان میراث فرهنگی، پژوهشکده باستان شناسی
- گیرشمن، رومن (۱۳۹۰)، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- ملک شه میرزادی، صادق (۱۳۸۴)، صیادان سیلک، (طرح بازنگری سیلک: گزارش فصل چهارم) تهران، سازمان میراث فرهنگی، پژوهشکده باستان شناسی
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۹)، سیلک کاشان، ج. ۲، ترجمه اصغر کریمی و آزیتا همپارتیان، کاشان، مرسل
- معصومی، غلامرضا (۱۳۴۹)، نقش بز کوهی بر روی سفال های پیش از تاریخ ایران، مجله

شناسی و هنر ایران، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، سال ششم

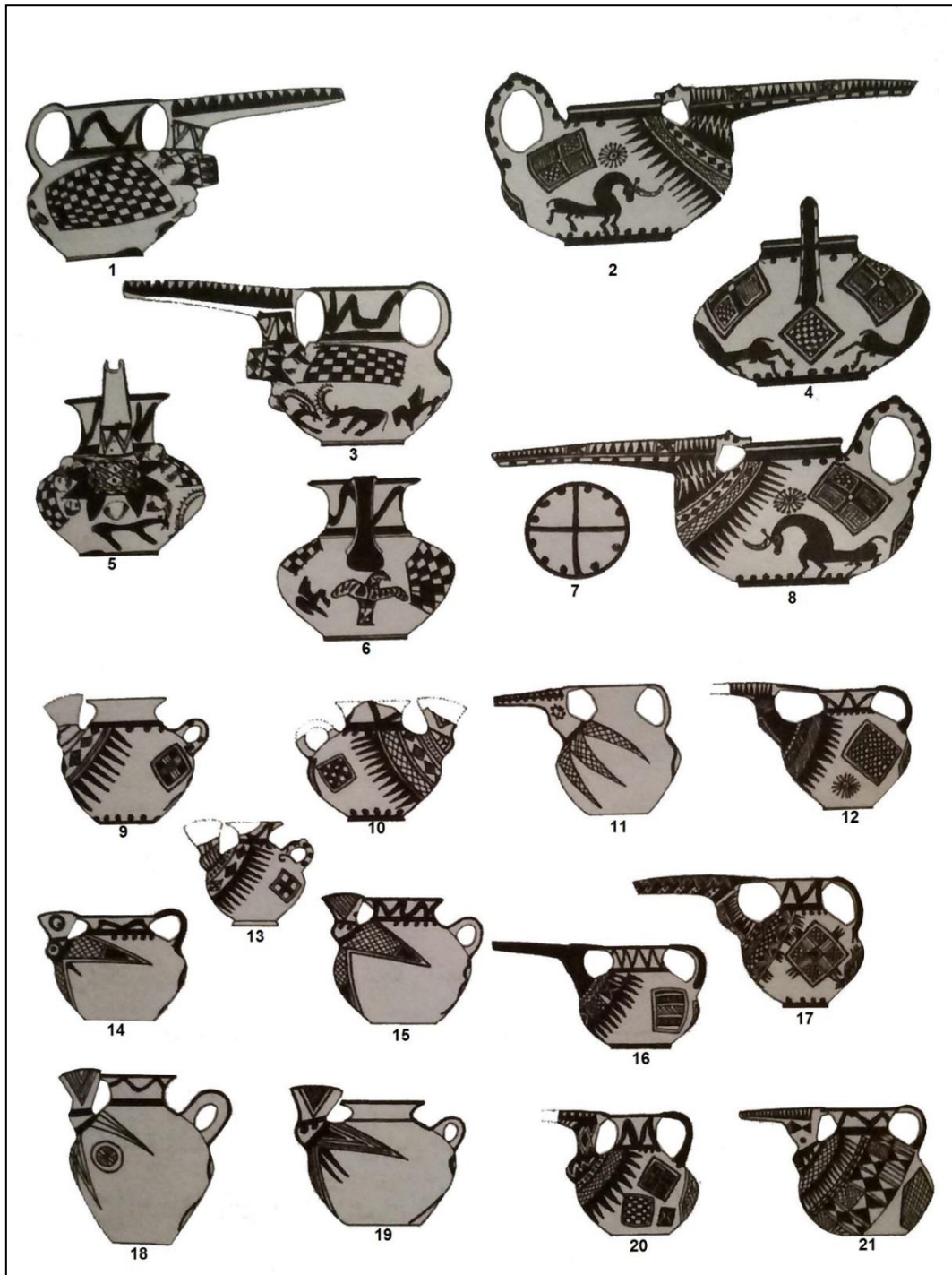
بررسیهای تاریخی، مرداد و شهریور، شماره ۲۷

• ویلسون، ج. کریستی (۱۳۶۷)، تاریخ صنایع ایران، ترجمه عبدالله فریار، تهران، انتشارات فرهنگسرا

• مید، کلرگاف (۱۳۵۶)، لرستان در نیمه نخست هزاره اول پیش از میلاد، ترجمه فرخنده اعتصام، مجله بررسی‌های تاریخی، مهر و آبان، شماره ۷۲

Young, T. Cuyler, Jr, the Iranian migration into the Zagros, Iran, vol. V, 1967

• واندنبرگ، لویی (۱۳۵۰)، کاوش‌های باستان-شناسی در پشتکوه لرستان، مجله باستان-

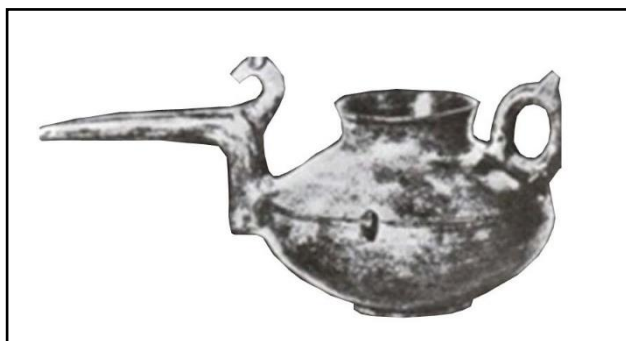


شکل ۱. ظروف لوله‌دار سیلک B (گیرشمن: ۱۳۷۹)

شکل ۲: یک ظرف لوله‌دار از سیلک B (کورتیس: ۱۳۸۵ تصویر ۲۳)



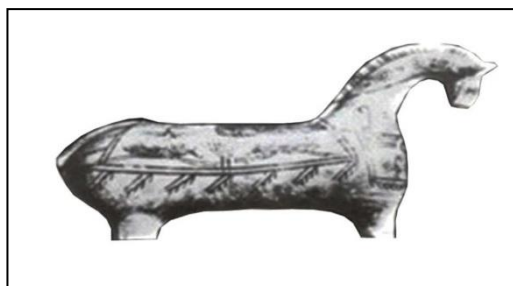
شکل ۳: ظرف سفالین لوله‌دار از خورویین (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۱۷)



شکل ۴: نقش اسب‌سوار، دیوارنگاره داخل غار دوشه، خرم‌آباد، حدود هزاره هشتم ق.م.  
<http://www.taciran.ir>



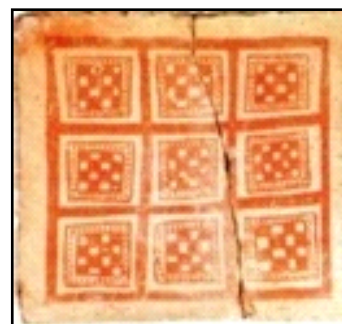
شکل ۵: ریتون منقوش به شکل اسب از شوش (گیرشمن: ۱۳۹۰: ۲۸۹)



شکل ۶: نقش اسب بر روی یک ظرف سفالین از سیلک B (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۱۵)

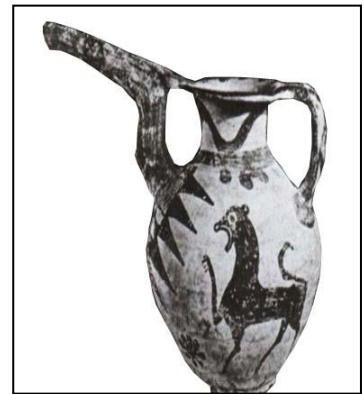


شکل ۷: کاشی رسی از باباجان لرستان (کرتیس، ۱۳۸۵: ۱۱)

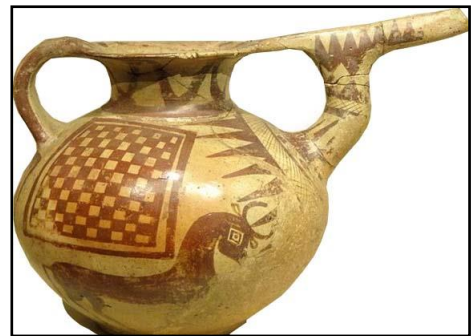




شکل ۸: سفال منقوش به شیر غرنده از سیلک (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۱۳)



شکل ۹: سفال منقوش به شکل گاو از سیلک B



شکل ۱۰: نقش شطرنجی بر روی یک ظرف سفالی از سیلک B



شکل ۱۱: ظرف سه پایه از رومشگان لرستان (کرتیس، ۱۳۷۸: تصویر

(۳۶)



شکل ۱۲: یک قطعه سفال از سیلک B. نقش شخصی احتمالاً در حال

رقصیدن که آکیناکه بر کمر دارد (گیرشمن: ۱۳۷۹)

